

## فصل دستمزدها؛

### دشواری‌ها در سالی مهمتر از هر سال دیگر

مصطفی اسدیپور

یک هفته پس از فروکش اعتراضات و با موج عظیم سرکوب هنوز کوچکترین نشانی از التیام زخم عمیق خانواده و بازماندگان کشتار فجیع علیه خیزش دیماه پیدا نیست که جامعه یک بار دیگر در مقابل موتور محرک همان اعتراض قرار بگیرد. معیشت و این بار مشخصاً در قالب دستمزدها.

در ورق زدن روزنامه‌ها و در مقابل انواع اخبار و گزارش مقامات و دستگاه‌ها از حیرت میخکوب می‌شوید که چگونه مطلقاً از آمادگی و تدارک برای التیام زخم معیشت خبری نیست. در برنامه‌های دهه فجر و در استقبال از روز اختیاص یافته به زندگی کارگران، تمامی صفحات روزنامه کار و کارگر به لطافت‌ها همیشگی در وصف کرامات کارگر و سنگ زیرین تحمل کارگری در مقابل ظلم و فسق و فساد حکومت. ... صفحه ۲

### در میناپولیس چه خبر است؟!

امان کفا

هفته گذشته اعتراضات علیه سیاست ضد انسانی و حملات خشونت بار نیروهای مسلح اداره کنترل و مهاجرت آمریکا (آیس)، بویژه پس از قتل دو نفر دیگر توسط این نیروها در خیابانهای ایالت مینه‌سوتا، شدت بیشتری به خود گرفت. تظاهرات‌ها و اکیسیون‌های متعددی در همین رابطه نه تنها در بسیاری از ایالت‌های آمریکا، بلکه در لندن، پاریس و... نیز برگزار شد. در حالیکه مقامات دولتی ادعا کردند این قتلها ناشی از «نیاز» نیروهای آیس به حفاظت از خود در مقابل این تروریست‌ها» بوده است، کلیپ‌ها و فیلم‌هایی از خشونت بی دلیل نیروهای نقاب پوش آیس همه جا پخش شد و بی اعتمادی به هیئت حاکمه به مراتب فراگیر تر گردید.

ده‌ها هزار نفر در یک روز کاری هفته در میناپولیس، با پرچم «نه کار، نه مدرسه و نه خرید»، تجمع کرده و یکی از بزرگترین تظاهرات‌ها علیه سیاست مهاجر ستیزانه را برپا کردند. در این تظاهرات، شعارهای ضد آیس، «دیگر بس است»، «مهاجرین خوش آمدید» و غیره، همراه با سخنرانی نمابندگانی از اتحادیه‌ها، سازمانهای غیرانتفاعی و غیردولتی محلی برگزار شد. ۱

این تظاهرات در ادامه فعالیت گسترده سازمانهای محلی متعددی شکل گرفت که پیش از این برای مقابله با سیاست مهاجر ستیزی فعال بودند. با ورود نیروهای آیس به این ایالت، جو از وحشت و ترس، همراه با نطین عربده‌های ترامپ درباره مهاجرین، غالب شده بود. مهاجرانی که صرفاً به دلیل ظاهر خود، نام خانوادگی و یا هر بهانه دیگری مورد خشونت آیس قرار میگیرند، و از ترس بازداشت عملاً خود را در خانه‌ها حبس کرده بودند. ... صفحه ۳

### تهران در آتش،

### رئیس جمهور در پاستور

مصطفی اسدیپور - صفحه ۶

## صف ما، در سراسر جهان، از جنگ طلبان جدا است!

تشکیلات خارج کشور حزب حکمتیست (خط رسمی)

خیزش حق طلبانه مردمی که از فشار فقر و محرومیت‌ها به استخوانشان رسیده و بپا خواسته بود، توسط باند پهلوی - نتانیاهو که نه برای آزادی، نه برای برابری، نه برای «میهن» و نه برای «ایران»، که برای روغن کاری ماشین جنگی آمریکا و اسرائیل، و تبدیل ایران به باتلاق دیگری از جنگ و خرابی به جلو صحنه رانده شده بودند، گرو گرفته شد و برای معامله این باند تبهکار با رقبای، به بازار سیاست جهانی و منطقه ای فرستاده شد!

جمهوری اسلامی که یک سوی این معاملات است، به بهانه خطر «دشمن خارجی» اعتراضات برحق مردم را وحشیانه به خون کشید و سراسر ایران را سوگوار کرد. جهانی این کشتارها را محکوم و با هزاران هزار خانواده که در سوگ عزیزان، جوانان و نوجوانان، فرزندان، پدران و مادران شان فریاد دادخواهی شان بلند شده است، همدردی میکنند! در این معامله چرکین، باند پهلوی - نتانیاهو شکست خورد و بهای آن را مردم بی گناهی دادند که ناخواسته گوشت دم توپ جدال دو کمپ ارتجاعی، یکی در قدرت و یکی در اپوزیسیون شدند.

انقلاب «شیر و خورشید» خراطی شده در محافل سوپر جنگ طلب هیئت‌های حاکمه آمریکا و اسرائیل، به کمک دستگاههای تبلیغاتی وسیع و مهندسی شده و «ستادهای انتخاباتی» «رهبر» تراشی، برای این «انقلاب»، یعنی تلویزیون ایران اینترنشنال و بی بی سی فارسی و .. ، در غیاب یک رهبری سراسری برخواسته از جنبش‌های سیاسی در میدان در ایران، رضا پهلوی را بعنوان «رهبر» این انقلاب «به خورد» مردم ایران و جهانیان دادند! رضا پهلوی، کسی که فعلاً «مناسب ترین» کاندید ایفای نقش تاریخی است که این محافل میخواهند! کسی که بنا به مقتضیات منافع این محافل، به سادگی میتواند با مهره مشابه خود، مریم رجوی جایگزین شود!

انقلاب سیاه «شیر و خورشید» باند پهلوی - نتانیاهو، شکست خورد! بدون اینکه جامعه ایران، میلیونها میلیون معترض و «دادخواه» و منجزر از جمهوری اسلامی، تسلیم شده یا شکست خورده باشد! ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

این لشکر مافیای جنگ طلب و فاشیست، با چماقداری و حمله در خارج از کشور به هرآنکسی که علیه بی حقوقی مردم کرد، بلوچ و عرب زبان، و علیه استثمار و بی حقوقی کارگر و در دفاع از عدالتخواهی و برابری طلبی فعالیت میکند، تلاش میکنند که «یاس» و شکست شان را لاپوشانی کنند!

فالانژیسم و «تهاجمی بودن» نیوپهلویست ها و کف چرانی های «تیمساران» ارتش «انقلاب شیر و خورشید» رضا پهلوی، نه از سر قدرت که از یاس و استیصال و شکست شان و برای فرار از پاسخگویی در مقابل جامعه نود میلیونی است که از آنها پاسخ میخواهد! که چرا بهای شکست شان را مردم بی گناه دادند!

باید آنها را از اجتماعات خود راند! باید صف خود را از آنها کاملاً جدا کرد! ما و مردم ایران، جنبش آزادی و برابری، نه تنها کمترین همبستگی و همراهی با این باند چرکین «جاوید شاه» گو و دهان دریده نداریم، که در مقابل آنها و جنگ طلبی شان، به موازات مقابله و جدال مان با جمهوری اسلامی ایران، محکم می ایستیم!

زنده باد آزادی و برابری

تشکیلات خارج حزب حکمتیست (خط رسمی)

۳ فوریه ۲۰۲۶

تنها نگاهی به اعتراضات در دانشگاهها و مدارس، نگاهی به بیانیه های مختلف توسط نهادها و سندیکاها و تشکل های صنفی مختلف، نگاهی به عکس العمل های شخصیت های ورزشی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در محکومیت این کشتارها، کافی است که تصویری از فردای پس از این کشتارها بدست بدهد! ایران به خون کشیده شده، مرعوب توحش قدرت حاکم نشده است!

فاز اول «انقلاب شیر و خورشید» شکست خورد، بدون اینکه باند تبهکار رهبری آن از «کمک های در راه» پب ها و موشک ها و محاصره اقتصادی ایران، کاملاً «نا امید» شده باشند! فراخوان های رضا پهلوی، نه برای «دادخواهی» مردم بیگناهی است که قربانی میدان داری ایشان شد، که برای گسیل پب و موشک و محاصره اقتصادی و به گرسنگی کشاندن بیشتر مردم در ایران است! مشت این باند و مافیای سناریو سیاهی را باید، همه جا و هرکجا، باز کرد!

اما برای اینکه خیزش و اعتراضات بعدی مردم در ایران، زنان، کارگران، معلمان، جوانان، دانشجویان و همه اکثریت نود میلیونی که برای خلاصی از بخت جمهوری اسلامی روز شماری میکنند، بار دیگر توسط ارتجاع پهلوی یا مجاهد یا باندهای درونی جمهوری اسلامی، به گرو گرفته نشود و برای معاملات دست بدست شدن قدرت به بهای فروپاشاندن جامعه ایران و کشاندن ایران و کل منطقه خاورمیانه به میدان جنگ و قحطی و گرسنگی و ... نشود، باید صف خود را از این باند تبهکار، باند پهلوی - نتانیاهو، جدا کرد و آن ها را بهر شکل و طریقی عقب زد!

#### فصل دستمزدها...

لیست طولانی از تشدید محرومیت، کاهش دستمزدها و دریافتی ها، وخامت وضعیت بیمه ها، اوضاع نابسامان مسکن، افسار گسیخته تورم، تشدید بهره کشی و شرایط کار و ناامنی اشتغال و ید طولانی اختیارات کارفرما در کنار انباشت سالهای طولانی از دستمزدهای زیر خط فقر محیط های کارگری را در آستانه انفجار نارضایتی قرار داده است. تنها یک ماه پیش صفحات متعددی از روزنامه ها به صفحات اقتصادی در شرح دستمزدهای فقیرانه، استیصال کارگران و خطر بزرگ انفجار نارضایتی اختصاص داشت. از این صفحات و از این دست و دلبازی های رسانه ای خبری نیست. خیلی ساده کسی نیست که دست بدل کارگران بگذارد و مسئولیت دمیدن در این آتش را بعهده بگیرد.

نیمه بهمن ماه و هیچ اثری از حدس و گمانهای معمول در حاشیه دستمزد را نمیشود سراغ گرفت. کسی نمیداند وزیر کار کجاست و خبری از انبار پیشنهادات معمول ایشان در چگونگی تعیین دستمزدها نیست. سنگینی فضای سرکوب خیزش دی ماه نیازی به استدلال ندارد و به علاوه فضای جنگی با آمریکا نیز سایه سنگینی را بدنبال داشته است.

در دو ماه اخیر با اجتماع پنج هزار نفره کارگران پارس جنوبی و با اجتماع چند باره نفتی ها علیه کار پیمانی مقابل مجلس چشم انداز خوب و امیدوار کننده در فضای دستمزدی کارگران کم رنگ تر شده است.

این وضعیت، احتیاط دو جانبه چه از طرف کارگران و چه از طرف دولت و کارفرما می تواند زیاد طول بکشد. دستمزدها باید تعیین شود و با وضعیت فعلی اقتصادی و تولیدی و تورم هر رقم پیشنهادی دولت و یا بروال معمول از طرف مجلس منجر به انفجار نارضایتی گسترده خواهد شد. تا آنجا که به طبقه کارگر مربوط میشود هیچ دلیلی برای کوتاه آمدن و به استقبال دستمزدهای محدود رفتن نیست. باید منتظر مراکز اصلی بود و تا آن موقع توقعات و انتظارات کامل و بر حق را علیه شرایط که فقط و فقط و مستقیماً ناشی از سکانداری اقتصادی دولت و سودجویی سرمایه داران است حفظ نمود.

مساله اصلی قبل از هر گونه بحث بر سر دستمزدها و شرایط کار در ابراز خشم و اعتراض علیه سرکوب افسار گسیخته جمعیت بزرگ از هم طبقه ای های ما در اعتراض بر حق آنها برای برخورداری از معیشت و کرامت شایسته است. باید به هر وسیله ممکن خانواده بزرگ کارگری را در آغوش حمایت و همبستگی خود قرار داد. مهم است که فونه اقدامات خود با از هر طریق با دیگران در میان گذاشته شود. به این معنا تدارک و تمرکز کارگران بر سر دستمزدها از هر سال دیگر مهم تر است.

## برابری

برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی، نه فقط برابری

شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد و جنسیت، بلکه برابری

در امکانات مادی در دسترسی به ابزار های ارتقا و شکفتن

استعدادهای فردی و اجتماعی، برابری در تولید و در زیست،

برابری در اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و

اداری جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات مادی

و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در مبارزه برای فائق

آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود، برابری که تنها با در

هم کوبیدن مالکیت خصوصی بورژوازی بر وسایل تولید و

مبادله، از میان بردن بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید

و ثروت جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای

سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.

آنچه این بار متفاوت است، نه سیاستهای این دو حزب، بلکه فایز عریان چهره کریه بورژوازی و هیئت حاکمه آمریکا در این دوره است. امروز این ترامپ و دولت حزب جمهوریخواه اند که دیگر قادر نیستند پرچم راست گرایی خود را بر موج اعتراضی و ساختار شکن عمومی برافرازند. میزان نازل مقبولیت ترامپ، حتی در انواع و اقسام نظرسنجی های رسمی موجود در آمریکا، خود نشان دهنده موقعیت او و در عین حال بن بست حزب دمکرات در این شرایط است.

در حالیکه دولت حاکم، دولتی است که در آن میلیاردرها بدون هیچ واسطه ای، همراه با دوستان و نزدیکان خانوادگی ترامپ، بی هیچ ابایی پستهای اداری و دولتی را در دست گرفته اند و حزب رقیب نیز بدون هیچ آلترناتیو مشخصی صرفاً به نق نق کردن درباره درجه و حدود سیاستهای آنان مشغول است، اکثریت وسیع مردم آمریکا در موقعیتی همراه و خیم تر از گذشته زندگی میکنند. آنچه اعتراضات جاری در میناپولیس را رقم میزند، نه انتظار برای انتخابات میان دوره ای پایان سال و جابجایی درصد آرا میان نمایندگان این دو حزب، بلکه پلاکاردهایی است که در تظاهرات دیده میشود: شعرهایی چون «ما اول همسایه ایم و بعد آمریکایی»، «ما همگی مهاجریم»، «تا حق و عدالت خود را نگیریم، به خانه باز نمیگردیم» و... شعرهایی که نشان دهنده موج انساندوستی و مطالبات واقعی مردم است. مطالباتی که امروز در میان مردم این شهر، با تلاش همه جانبه در شبکه ها و شکلهای محلی، به پیش برده میشود و مسلماً در صورت شکلگیری یک قطب کمونیستی، قادر خواهد بود به چنگ اندازی این دو حزب حاکم پایان دهد و مانع از تبدیل دوباره این نیروی فعال و خلاف جریان به سیاه لشکر انتخاباتی یکی از این دو حزب شود.

\*\*\*

**دولت مهم ترین ابزار طبقه حاکمه برای  
تحت انقیاد نگاهداشتن توده های تحت  
استثمار است. تاریخاً ظهور دولت حاصل  
بوجود آمدن استثمار پیدایش طبقات و  
تقسیم جامعه به طبقات استثمارگر و تحت  
استثمار بوده است. علیرغم همه پیچیدگی  
ها در ساختمان دولت های امروز دولت  
همچنان دستگامی برای اعمال زور است  
و ارتش ها و دادگاه ها و زندان ها شالوده  
اساسی آن را تشکیل میدهند. دولت قوه  
قهریه سازمان یافته طبقه حاکمه است.  
دولت ابزار اعمال حاکمیت طبقاتی است.  
هر دولتی، مستقل از هر فرم و ظاهری  
که بخود پذیرفته باشد، چه سلطنت و چه  
جمهوری، چه پارلمانی و چه استبدادی،  
ابزار اعمال دیکتاتوری طبقه یا طبقات  
حاکم است.**

در میناپولیس، شهری که پنج سال و نیم قبل جورج فلویید در آن توسط پلیس کشته شده بود، روحیه ای متفاوت تر نسبت به دیگر نقاط آمریکا وجود داشت. در محله های مختلف شهر، مردم برای حمایت از همسایگان مهاجر خود گرد هم آمدند و به صورت شبکه ای خود را متشکل کردند. فعالان این شبکه ها، انتقال کودکان از مدارس به خانه، خرید مواد غذایی و کالاهای مورد نیاز را سازماندهی کردند. پرستاران و مدد کاران بهداشتی و اجتماعی به خانه های این مهاجران رفتند و از پیگیری کمکهای عمومی گرفته تا انجام زایمان های خانگی و مراقبتهای دیگر را بر عهده گرفتند. این مردم بودند که حفاظت از محله ها و اطلاع رسانی درباره حضور نیروهای آیس را با استفاده از ابزارهای ارتباطی موجود و برنامه هایی نظیر سیگنال سازمان دادند. این حرکت محله محور به محیطهای کار نیز کشیده شد، بطوری که توانست مانع بسیاری از دستگیری ها در محل کار شود. برای سرکوب و برهم زدن این فضای انسانی، دولت نزدیک به سه هزار نیروی نظامی آیس را به این ایالت گسیل کرده بود.

آلکس پرتی یکی از این فعالان بود و قتل او یکی از عوامل تعیین کننده در برگزاری آن تظاهرات و فراخوان اعتصاب عمومی شد. عمق نفرت عمومی در سطح شهر آنقدر قابل توجه بود که اتاق بازرگانی ایالت طی پیامی به دولت ترامپ هشدار داد که این شرایط قابل ادامه نیست و دولت باید دست به «رفع تنش» بزند. اعلام خروج ۷۰۰ نفر از نیروهای آیس توسط ترامپ، در یک روز بعد، در واقع پاسخی به این پیام بود.

در این میان، حزب دمکرات تلاش کرد این اوضاع را به «زیاده روی های» حزب جمهوری خواه، رقیب انتخاباتی خود، نسبت دهد. آنها جلسه ای برای «شنود» با حضور خانواده رنی گود و دیگر قربانیان «سیاست غیر معقول» ترامپ در کنگره برگزار کردند تا نشان دهند که ترامپ عامل و بانی این شرایط است. مقامات حزب دمکرات به سیل آمار و گزارشها متوسل شدند. ناگهان گزارش های متعددی از این دوره منتشر شد: «معلوم شد» که در ماه پایانی سال ۲۰۲۵، نزدیک به ۷۰ هزار نفر در بازداشتگاه های آیس ثبت شده اند و در همان ماه دسامبر، ۷ نفر دیگر از بازداشت شدگان جان باخته اند. به این ترتیب، در عرض یک سال نخست ریاست جمهوری ترامپ، ۳۲ نفر از بازداشت شدگان آیس جان باخته اند؛ همان تعدادی که بیش از دو دهه پیش، در سال ۲۰۰۴ و در دوران ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش، در بازداشتگاه های آیس جان خود را از دست داده بودند.

اما این تبلیغات نه برای افشای عمق فجایع امروز، بلکه در پی لاپوشانی سیاستی است که نه با ترامپ آغاز شده و نه صرفاً سیاست یک حزب، یعنی حزب جمهوریخواه، بوده است.

سیاست اخراج و خارجی ستیزی، دستکم در تاریخ معاصر، بخشی از سیاست کل هیئت حاکمه آمریکا، چه دمکرات و چه جمهوریخواه، بوده است. در دوره اوپاما، تنها در سال ۲۰۱۲، نزدیک به نیم میلیون نفر اخراج شدند و در مجموع، بین سالهای ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶، بیش از ۳ میلیون نفر بطور رسمی از آمریکا اخراج شدند. افزون بر این، حدود ۲ میلیون نفر دیگر نیز در مرزها متوقف و از ورود به این کشور بازگردانده شدند. این دولت حزب دمکرات بود که پنج برابر بیش از دیگر دوره ها اخراجی در زمان ریاست جمهوری خود داشت. آیس، سازمانی که پس از حملات ۱۱ سپتامبر القاعده به آمریکا در سال ۲۰۰۳ تأسیس شد، در تمام این مدت از سوی دولتها، کنگره ها و مجالس سنای آمریکا حمایت و پشتیبانی شده است. آنچه ترامپ در این دوره عیان کرده، جایگاه واقعی و اعلام علنی کارکرد این سازمان و کل اداره مهاجرت امریکاست؛ بدون هیچ محدودیت دیپلماتیک و بدون بزرگ کردن سیاستهای تفرقه افکنانه و تبعیض آمیزی که همواره جزئی از سیاست هیئت حاکمه این کشور بوده است. شعارهای انتخاباتی ترامپ در این دوره، همچون دوره پیشین ریاست جمهوری اش، اعلام رسمی همان سیاست خارجی ستیزی است که اوپاما و بایدن نیز اتخاذ کرده بودند. اعتراضات اخیر در آمریکا، بویژه در مینه سوتا، دقیقاً علیه همین سیاست شکل گرفته است.

## نینا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا  
[radioneena.com](http://radioneena.com)  
 ساوند کلود  
[soundcloud.com/radio-neena](https://soundcloud.com/radio-neena)  
 اینستاگرام  
[instagram.com/radioneena](https://www.instagram.com/radioneena)  
 تلگرام  
<https://t.me/RadioNeenna>  
 فیسبوک  
[facebook.com/radioneena](https://www.facebook.com/radioneena)

[hekmatist.com](http://hekmatist.com)

## تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

[dabirxane@hekmatist.com](mailto:dabirxane@hekmatist.com)

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

[azar.moda@gmail.com](mailto:azar.moda@gmail.com)

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

[khaled.hajmohamadi@gmail.com](mailto:khaled.hajmohamadi@gmail.com)

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

[aso.fotuhi@gmail.com](mailto:aso.fotuhi@gmail.com)

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

[sahand.sabet@gmail.com](mailto:sahand.sabet@gmail.com)

## حکمتیست هفتگی

سر دبیر: آذر مدرسی

## تهران در آتش، رئیس جمهور در پاستور

مصطفی اسدیپور

خیزش دیماه کل جامعه غرق در آتش و خون، جهان در تب و تاب، هزاران هزار قربانیان مستقیم جانباخته در کف خیابان و بسیاری بیشتر زخمی و در مخاطره جان در زندان و پناه گاه‌ها دولت رسمی و تمام دستگاه‌های دولتی کرکره را پایین کشیده و در سررای ایوان بلند و ساکت و خاموش عمارت مشرف به نیمه شهر، هیچ کجا اثری از دولت پیدا نبود. این را باید پایان انسانیت، پایان قانون و تسلط رسمی بربریت و جنایت نامید. در تمام طول یک ماه از اعتراض خیابانی که فلابه وحوش سرکوبگر را در حمله و در اجرای هر بلایی که دلشان می‌خواست بر روی تمام شهروندان باز کرده بودند، در همه صدای مهیب شلیک گلوله و انفجار پیاپی نارنج گاز اشک آور، راستی وزرا و رئیس جمهور کجا تشریف داشتند، کدام روزنامه را ورق زده و پنجره اتاق ایشان به کدام جهنم دره باز میشد که سراغی از ایشان نبود؟

تمام طول سال جاری تمام جامعه در شرایط مخاطره معیشتی، جمعیتی معادل چهل تا پنجاه میلیون اعضای خانواده کارگری جامعه در مصاف مستقیم و جانکاه محرومیت لایه‌های تحتانی زیر خط فقر با نفس کمبود نان تا چه رسد به میوه و حبوبات؛ در هم پیچیده در عفونت و درد و تباهی ناشی از فقدان دارو و سرپناه؛ قربانیان له شده در میان چرخ دنده مقررات جنایتکارانه مصوب وزارتخانه کار و در محرومیت کودکان، زنان و بازنشستگان ... جامعه‌ای که دیگر از فرط استیصال خطر اعتراض خیابان در مقابل گله چماقداران حکومتی را بجان می‌خرد؛ رئیس جمهور به کدام جهنم دره‌ای می‌تواند گور خود را گم کرده باشد که به تقصیر و مسئولیت خود گردن بگذارد؟ راه شرافت در پیش بگیرد، با کابینه استعفا دهد و مردم را بجای سینه کش دیوار روبروی وحوش مسلسل بدست به اندیشیدن راه حل متمدنانه و دلسوزانه فرا بخواند؟

